

پیامدهای کرونایی تعلیق مناسک جمعی



مقدمه

پس از گذشت مدتی از شیوع ویروس کرونا و کنترل اوضاع کشور مخصوصاً در حوزه پزشکی و سلامت، حدوداً در اواسط اردی بهشت ۱۳۹۹، پرسش از سرنوشت نهادهایی مانند اقتصاد و معشیت، سیاست و حکمرانی و دین و فرهنگ در دوره کاهش تأثیرات اجتماعی شیوع این ویروس یا همان دوره مشهور به پسا کرونا به موضوع مورد تأمل بسیاری از متفکران و تحلیل گران تبدیل شده است.

یکی از این تحلیل گران که به واسطه رابطه اش با دستگاه های سیاسی ایالات متحده آمریکا در سال های گذشته، در ایران شناخته شده است، هنری کیسینجر^۱ است. او در یادداشتی با عنوان «نظم جهانی جدید پس از بحران کرونا»^۲ شرایط پس از کرونا را شرایطی جدید برای جهان معرفی کرد. در این جا قصد پرداختن به جزئیات تحلیل کیسینجر را نداریم، اما طرح پرسش او می تواند برای متفکران کشور ما جدی تلقی شود.



سید جواد میری *

آن‌ها معلق خواهد شد.

آن چیزی که به نظر من قدری سخت است و حالت تعلیق را ممکن است سخت‌تر بکند، برخاسته از الهیات سیاسی اسلام‌گرایی است که در این چهاردهه در ایران نهادینه شده است. تعلیق این مناسک برای کسانی که در این فضا می‌اندیشند و در این فضا رشد کرده‌اند، یک مقداری شوک‌آور است. ولی اگر از منظر تشیع نگاه کنیم، به گونه‌ای قابل فهم و قابل صورت‌بندی است و می‌شود در مورد آن صحبت کرد که آیا واقعاً برای کسانی که ذیل تشیع قرار می‌گیرند، نبود مناسک جمعی به معنای این است که دین‌داری تخفیف پیدا می‌کند و کم‌رنگ می‌شود؟ به نظر من در تشیع به مثابه مذهبی که ابعاد و ساحات باطنی قوی دارد، کرونا نمی‌تواند تأثیر بنیادینی بگذارد.

در این وضعیت تعلیق مناسک، لازم است نسبت به مفهوم و معنای «شعائر» تأمل بیشتری داشته باشیم. آیا شعائر به معنای امری است که در فقدان آن دچار گسیختگی اجتماعی می‌شویم؟ ما چه تعریف و چه فهم و صورت‌بندی‌ای از مفهوم شعائر داریم؟ به نظر من شعائر برای فردی که به یک دین یا نظام معنایی باور دارد، به مثابه نقشه راه برای یافتن جهت در هستی است، ولی لایه زیرین یا لایه باطنی شعائر،

شعائر برای فردی که به یک دین یا نظام معنایی باور دارد، به مثابه نقشه راه برای یافتن جهت در هستی است، ولی لایه زیرین یا لایه باطنی شعائر، همان شعور و آگاهی به این جهان است که یک جهان پر معناست.

دکتر سیدجواد میری^۳ با اهمیت طرح این پرسش و پرداختن به آن با نظر به اقتضائات خاص جامعه ایرانی، سعی کرده تا در یادداشتی شفاهی با عنوان «برای عصر جدید برنامه‌ریزی کنیم؛ تقریری بر مقاله هنری کسینجر»^۴، حساسیت دیگر فعالان عرصه فرهنگی یا سیاست‌گذاری و مسئولان مربوط را برای این طرح مسئله برانگیزاند. از این رو، مجله «حوزه» بر آن شد، اجمالی از آن نوشتار را فراروی خوانندگان محترم گذارد.

● تعلیق مناسک جمعی و توجه به ابعاد باطنی تشیع

اگر نگوییم وضعیت فعلی در تاریخ بشر بی‌سابقه است، حداقل در تاریخ معاصر ایران در سده اخیر، یک وضعیت بسیار استثنایی است و این باعث شده در جامعه ایران مناسک جمعی در وضعیت تعلیق قرار بگیرد. در این جا باید به نکته‌ای اشاره کنم و آن این است که برخلاف ادیانی مانند مسیحیت که باید برای مراسم عشای ربانی خودشان در یک مکان مقدس حضور داشته باشند؛ پدیده کرونا با روحیه تشیع که یک بعد باطنی قوی هم دارد، ناسازگار نیست. یعنی شرایط فعلی به این معنا نیست که اگر مردم به مسجد یا حرم‌های ائمه علیهم‌السلام یا مراکز مقدس و عتبات نروند، رفتار دینی

همان شعور و آگاهی به این جهان است که یک جهان پرمعناست.

اگر این را لحاظ کنیم، رویکردمان به این سؤال که آیا عدم انجام شعائر در شرایط فعلی خطری برای جامعه مؤمنان دارد، تغییر خواهد کرد و در این صورت می‌توانیم از انواع سبک‌های دین‌داری صحبت کنیم؟ اتفاق کرونا در جامعه ایران، فرصتی را برای جامعه مؤمنان فراهم کرد تا درباره نوعی دین‌داری که فاصله زیادی با ظاهرگرایی دارد، تأمل کنند.

به طور مثال در مورد مناسک ماه رمضان و مشخصاً شب‌های قدر و روز قدس، درست است که یک بُعد شب‌های قدر، بعد جمعی است و در این شب افراد و مؤمنان در کنار هم قرار می‌گیرند و لیالی قدر را قدر می‌دانند و تلاش می‌کنند با خداوند و با امر معنادار ارتباطی پیدا کنند، ولی در این وضعیتی

که پروتکل‌های بهداشتی هم مطرح شده است، آیا عدم برگزاری جمعی، به شب قدر ضربه می‌زند؟ آیا فاصله‌گذاری افراد، به معنای ظهور و بروز کمتر شب‌های قدر و کمتر شدن ارزش آن خواهد بود؟

برنامه شب‌های قدر را از چند منظر می‌توان بررسی کرد: یک، این که به صورت جمعی دعا می‌کنیم؛ دوم، آن جامعه‌پذیری افراد، مخصوصاً

کودکان و نوجوانان و جوانان در جمع‌های بزرگ‌تر است؛ سوم، به مفهومی برمی‌گردد که برخی جامعه‌شناسان درباره کارناوالیزه شدن اعیاد و شعائر دینی در ایران مطرح کردند. به نظر می‌آید این بُعد، امروز کمتر نمود پیدا بکند و ابعاد باطنی پررنگ‌تر خواهد شد.

● بحران کرونا و ابعاد سیاسی دین‌داری

بحران کرونا و تعلیق آیین‌های مذهبی، منجر به تقلیل و یا تخفیف و یا تضعیف دین و امر دینی در جامعه مؤمنان نمی‌شود. آن چیزی که ممکن است قدری ضربه ببیند یا دچار آسیب شود و اتفاقاً قابل تأمل است، ایجاد فاصله بین اقشاری از جامعه است که به ایدئولوژی سیاسی اسلام‌گرایی و ایدئولوژی حاکم، باورمند هستند.

عدم تجمع این قشر از جامعه به صورت منسجم و مدیریت شده که نمونه بروز آن در روز قدس و ۲۲ بهمن است، ممکن است فاصله‌ای در میان این قشر ایجاد کند. مثلاً نماز جمعه که برگزار نمی‌شود، به نظر، بُعد ایمانی افراد ضربه زیادی نمی‌بیند ولی آن بعدی که خیلی مهم بوده و در این چهاردهه نهادینه شده است، نماز جمعه به مثابه یک امر سیاسی عبادی است؛ نه عبادی سیاسی. بعد سیاسی نماز جمعه در این شرایط،

بحران کرونا و تعلیق آیین‌های مذهبی، منجر به تقلیل و یا تخفیف و یا تضعیف دین و امر دینی در جامعه مؤمنان نمی‌شود. آن چیزی که ممکن است قدری ضربه ببیند یا دچار آسیب شود و اتفاقاً قابل تأمل است، ایجاد فاصله بین اقشاری از جامعه است که به ایدئولوژی سیاسی اسلام‌گرایی و ایدئولوژی حاکم، باورمند هستند.

جامعه ایران درست کرده بودند و از قبل آن‌ها سرمایه‌های کلانی را هم می‌گرفتند و کادرسازی می‌کردند، مانند ستاد اقامه نماز، ستاد اقامه اعتکاف. این ستادها، دین و دیانت را بوروکراتیزه می‌کند و هر چیزی که دامن به کارمندوارگی دین و ظهورات و بروزات دینی بزند، نقض غرض دین خواهد بود.

● ارتباط تعلیق امر دینی (حرم‌ها) با تعلیق زندگی روزمره

وقتی در مورد امر دینی صحبت می‌کنیم، یک بخش مهمش در مورد این است کارکرد دین و سبک‌های دین‌داری چیست؟ ولی نکته دیگری که مخصوصاً در نوع مدیریت مراکز دینی، حرم‌ها و عتبات در جهان شیعی باید به آن توجه شود، بعد اقتصادی است. مراکز دینی، صرفاً مراکز دینی به معنای این که امر مقدس را بازنمایی می‌کنند، نیستند.

حرم‌ها و اماکن مقدس، مجموعه‌ای هستند که علاوه بر ابعاد معنوی، ابعاد اقتصادی خیلی بزرگی هم دارند. مثلاً در مشهد، کسب و کار افرادی که در خیابان‌های منتهی به حرم هستند، به حرم وصل است و در این وضعیت، فقط امر دینی در حالت تعلیق قرار نگرفته است، بسیاری از کسانی که معیشت‌شان، به این جریان و این فضا متصل است، زندگی‌شان در حالت تعلیق قرار

تحت الشعاع قرار گرفته است و این قابل مطالعه است. ما چنین تجربه‌ای را حتی در زمان جنگ هم نداشتیم.

● فرصتی برای تأمل در دین‌داری و وضعیت مدیریت نهادهای دینی اگر قدری با رویکردی انتقادی به وضعیت مدیریت نهادهای دینی در جامعه معاصر ایران نگاه کنیم، این

حس را می‌توان مورد بررسی قرار داد که آیا ما دچار فریبی مناسک نشده‌ایم؟ آیا ما دچار نوعی از ظاهرگرایی نسبت به اعمال دین‌داری نشده‌ایم؟ آیا می‌توان وضعیت جدید را به مثابه یک فرصتی برای تأمل و تفکر ببینیم که به نظر می‌آید، هماهنگی و هم‌سازی بیشتری با روحیه تشیع دارد. تشیع، مذهبی است که ساحات باطنی قوی‌تری دارد و اساساً دیانت را صرفاً در ظاهرگرایی و مناسک خلاصه نمی‌کند.

مذهب تشیع ظاهر را نفی نمی‌کند ولی آنچه که به تشیع در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله قدرت داده، ساحات باطنی آن است. پیش‌بینی درباره فرم‌هایی که در آینده نزدیک یا در آینده میان مدت ممکن است در جامعه ظهور کند، قدری زود است ولی این را می‌توانیم بگوییم که یقیناً تعلیق مناسک جمعی، نوعی تلنگر برای نهادهایی است که ستادهای مختلفی را به عنوان مثال برای اقامه مناسک و شعائر در

تشیع، مذهبی است که ساحات باطنی قوی‌تری دارد و اساساً دیانت را صرفاً در ظاهرگرایی و مناسک خلاصه نمی‌کند.

مذهب تشیع ظاهر را نفی نمی‌کند ولی آنچه که به تشیع در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله قدرت داده، ساحات باطنی آن است.

گرفته است. اساساً باید تاثیر این پدیده‌ها بر یک‌دیگر و بر زندگی روزمره مردم مورد بررسی بیشتری قرار گیرد.

گفتنی است، بخشی از مردم یا بسیاری از مردم، دین‌داری‌شان از نوع دین‌داری فیلسوفانه، حکیمانه، آکادمیک، فقیهانه و

عارفانه نیست و به عبارتی دین‌داری آن‌ها بیشتر حالت عامیانه دارد و نوع نسبت‌شان با این مراکز و بقاع مقدس عاطفی و احساسی است. آسیب‌های اجتماعی این گروه در این موضوع قابل تأمل است. یک دلیل آن این است که این وضعیت ایزوله‌ای که بر جامعه تحمیل شده، فشارهای روحی و روانی را بر خانواده‌ها و افراد، بسیار زیاد کرده و شاید بشود گفت نوع نگاه افراد و جامعه نسبت به خانه و کانون

خانواده، حداقل در این تاریخ معاصر، به این شدت محدود به فضای فیزیکی خانه نبوده است.^۵ این شیوه از زندگی یکسری فشارها و ضیق‌هایی را بر روح و روان آدم‌ها ایجاد می‌کند و کسانی که نوع دین‌داری‌شان، عامیانه بوده است و در این شرایط نمی‌توانند برای عوض شدن حال خود حتی به مسجد، حرم و زیارت اماکن متبرکه بروند، فشار مضاعفی را خصوصاً از حیث عاطفی تحمل می‌کنند.

● بازگشایی اماکن متبرکه و لزوم توجه به بُعد عاطفی دین‌داری

در مورد بازگشایی حرم‌ها و مساجد، چند بُعد را باید مد نظر قرار داد:

یک، بعد پزشکی و اپیدمیولوژیک است که ذیل پروتکل‌های وزارت بهداشت قابل تعریف و تحدید است. اطلاعات و اخباری را که تاکنون از وزارت بهداشت و سازمان بهداشت جهانی داریم، بر این امر تاکید می‌کنند که نه تنها مراکز دینی، حتی مراکز اقتصادی و تجاری و مراکز آموزشی هم نباید به یک باره

گشوده شود، چون ممکن است به شیوع این بیماری دامن بزند؛

دوم، مدیریت و سیاست‌گذاری اجتماعی و هم‌چنین ابعاد دینی و مذهبی و حتی عاطفی جامعه مؤمنان است. انسان‌هایی که به این بارگاه‌ها رجوع می‌کنند و این مکان‌ها را دارالشفای می‌دانند و برای ترمیم زندگی دین‌دارانه و احیای زندگی دین‌دارانه خودشان، این مراکز را بسیار مهم می‌دانند. این ساحت‌ها نباید با هم‌دیگر خلط شوند و از سوی دیگر ما نباید

در میدان سیاست‌گذاری باید فعال‌تر بود و این میدان باید محل مانور حوزویان باشد، چرا که هم متخصصان دین هستند و هم انگیزه‌های دینی دارند و نه انگیزه‌های رسمی و اداری. عامل موفقیت آنان نیز در همین وجه اجتماعی آنان است که به صورت مدنی و با دغدغه دینی وارد موقعیت‌های بحرانی می‌شوند. با این کار علاوه بر کمک به حل بحران، وجه دینی را در کشاکش بحران اشاعه می‌دهند.

که به صورت مدنی و با دغدغه دینی وارد موقعیت‌های بحرانی می‌شوند. با این کار علاوه بر کمک به حل بحران، وجه دینی را در کشاکش بحران اشاعه می‌دهند.

این روش‌ها نوعی از نظام‌های سیاسی و اجتماعی را پدید می‌آورد که نه در نظام‌های اقتدارگرا و نه نظام‌های لیبرال قابل مشاهده است. در نظام لیبرالی، در مواجهه با بیماری کرونا انسجام سیستمی و اجتماعی به هم ریخت و به ویژه در ابتدای شیوع این بیماری صحنه‌های اجتماعی بسیاری نشان داده شد که این عدم انسجام کاملاً مشهود بود.

نظام‌های اقتدارگرا مانند چین اگرچه انسجام سیستمی قوی داشتند، اما نقشی برای جامعه و جنبه‌های مدنی به جز تبعیت در نظر نگرفتند. اما آنچه در ایران رخ داد انسجام اجتماعی تحرك مدنی قوی و مؤثر بود. در این میان حوزویان و نهاد دین هم نقش فرهنگی و دینی ایفا نمودند و هم به «مواسات» عمل کرده و نقش اجتماعی قابل توجهی داشتند.

● امکان ظهور نظام‌های جدید و تغییر در نظام سرمایه‌داری

کیسینجر در مقاله اخیر خود اشاره کردند، نظام سرمایه‌داری با این شکل و شمایلی که تا قبل از دوران کرونا داشت، دیگر به معنای

از این‌رو، موضوع بازگشایی حرم‌ها و مراکز دینی، موضوعی نیست که صرفاً وزارت بهداشت و جامعه پزشکی بتواند در مورد آن سیاست‌گذاری کند. این جا جایی است که جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان، فقیهان، متألهان، فیلسوفان و کسانی که دغدغه امر جمعی و جامعه دارند، باید حضور داشته باشند و این موضوع را مورد بحث و بررسی قرار دهند و براینکه این‌ها منجر به سیاست‌گذاری شود تا بتواند یک گشایش و فرصتی برای مردمی که در خانه‌ها به گونه‌ای حبس شدند، ایجاد کند.

به نظر می‌رسد، در حوزه سیاست‌گذاری، نسبت به ظرفیت‌های فرهنگی و دینی، کمتر توفیق داشتیم. اگر آمار مصوبات ستاد ملی کرونا را مشاهده کنیم خواهیم دید که تا چه میزان به ابعاد اقتصادی و بهداشتی و چه میزان به ابعاد فرهنگی و دینی توجه شده است. این آمار می‌تواند نوع تمرکز و توجه سیاست‌گذاری و مدیریت را نشان دهد.

بنابراین در میدان سیاست‌گذاری باید فعال‌تر بود و این میدان باید محل مانور حوزویان باشد، چرا که هم متخصصان دین هستند و هم انگیزه‌های دینی دارند و نه انگیزه‌های رسمی و اداری. عامل موفقیت آنان نیز در همین وجه اجتماعی آنان است

کیسینجر در مقاله اخیر خود اشاره کردند، نظام سرمایه‌داری با این شکل و شمایلی که تا قبل از دوران کرونا داشت، دیگر به معنای کارکردی خودش، قابل استمرار نیست و اساساً نوع نظام سرمایه‌داری به گونه‌ای شده است که انسان‌ها یا مردمانی که در آن سازوکار قرار می‌گیرند، نمی‌توانند ادامه بدهند.

کارکردی خودش، قابل استمرار نیست و اساساً نوع نظام سرمایه‌داری به گونه‌ای شده است که انسان‌ها یا مردمانی که در آن سازوکار قرار می‌گیرند، نمی‌توانند ادامه بدهند. وی اشاره می‌کند که جامعه یا نظامی که در آینده می‌خواهد شکل بگیرد، باید ابعاد عدالت اجتماعی را جدی بگیرد. این یکی از موضوعاتی است که

تقریباً در این نود سال اخیر به صورت‌های مختلف بحث شده بود. امروز هم نقدهای بنیادینی اساساً به نئولیبرالیسم و نظام سرمایه‌داری وارد است که توجهی به مسئله کار و کارگر و توزیع عدالت ندارد و به نظر من استمرار نظام سرمایه‌داری، بعد از این دوران کرونایی به دلیل تعلیق‌هایی که برای نظام‌های مبتنی بر آن رخ داد، اگر نگوییم غیر ممکن است، دچار چالش‌های بنیادین خواهد شد.

● ضرورت مطالعه مدیریت ایران و تاب‌آوری مردم در مواجهه با کرونا

وضعیت ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر که در چالش و در مبارزه با کرونا قرار گرفتند، غیر قابل مقایسه است. ایران تنها کشوری است که با قطع شدن سیستم بانکی، با محاصره اقتصادی نزدیک به صد درصدی و عدم فروش نفت، توانسته است

نوعی از مدیریت را در برابر چنین ویروسی ایفا بکند و این قابل مطالعه است.

درست است که نقدهای زیادی به وزارت بهداشت، سیاست‌گذاری بهداشتی، اجتماعی و .. وجود دارد ولی توجه داشته باشیم کدام کشور در جهان است که با شرایط ما توانسته باشد با این ویروس مقابله کند. به عنوان

مثال کشور ایتالیا نه حصر اقتصادی دارد، نه تحریم شده است و نه سیستم بانکی اش قطع است. بنابراین، این کشور عملاً دچار چنان فاجعه‌ای شد که چند کشور دیگر به کمکش رفتند. اگر می‌خواهیم جامعه‌شناسی بهداشت، جامعه‌شناسی پزشکی و مدیریت و سیاست‌گذاری بهداشتی را مورد نقد و بررسی قرار بدهیم، باید به این شرایط توجه کنیم و بگوییم چه عوامل و مؤلفه‌هایی توانست انسان ایرانی را در چنین وضعیتی کمک کند تا بتواند از این وضعیت عبور کند.

نکته دیگری که گفتنی است، تاب‌آوری بالای جامعه ایرانی است. معمولاً در جاهای دیگر سؤال در مورد علت پایین بودن تاب‌آوری است، ولی در مورد جامعه ایران باید بگوییم چرا تاب‌آوری این جامعه بالاست. برخی این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا گسیختگی اجتماعی در جامعه وجود دارد و نهاد دینی چه کمکی می‌تواند به آن بکند، این سؤال‌ها، این

آن چیزی که امروز در کشورهای دیگر یاد می‌کنند این که جامعه ایران، اگر نگوییم در طی یک سده اخیر، حداقل در این چهاردهه، دائماً با بحران‌های بزرگی روبه‌رو بوده است و مدیریت در درون بحران‌ها، تبدیل به یک سبک شده است و این سبک می‌تواند مورد مطالعه قرار بگیرد.

پی‌نوشت:

* دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

1 . Henry Alfred Kissinger (-1923)

2 . The New World Order After the Coronavirus Crisisa, accesable in

<https://www.gmfus.org/commentary/new-world-order-after-coronavirus-crisis-view-henry-kissinger>

۳ . قابل دست‌رسی در:

<https://www.mehrnews.com/news/4>

۴ . معمولاً وجود فاصله قابل توجه بین محل کار و محل زندگی به عنوان یکی از شاخصه‌های زندگی صنعتی و پسا صنعتی تعریف می‌شود و می‌گویند مثل دوران کشاورزی نیست که مزرعه و خانه در کنار هم دیگر باشد. در وضعیتی که الان پیش آمده است، خانه بسیاری از افراد تبدیل به محل کارشان شده است.

پیش‌فرض را در ذهن مخاطب قرار می‌دهد که ما دچار گسیختگی اجتماعی شدیم و حالا باید ببینیم نهاد دینی چه کمکی به آن می‌کند، ولی باید اشاره کنیم که اتفاقاً گسیختگی اجتماعی وجود ندارد یا رخ نداده است و علت آن تاب‌آوری جامعه ایران است. اگر چنین اتفاقی در آلمان یا سوئد افتاده بود که در وضعیت تحریم قرار بگیرد و هیچ امکان خرید و فروش و سیستم بانکی نداشته باشد و در عین حال با کرونا مواجه شود، آیا باز هم جامعه آن‌ها تحمل می‌کرد؟

آن چیزی که امروز در کشورهای دیگر یاد می‌کنند این که جامعه ایران، اگر نگوییم در طی یک سده اخیر، حداقل در این چهاردهه، دائماً با بحران‌های بزرگی روبه‌رو بوده است و مدیریت در درون بحران‌ها، تبدیل به یک سبک شده است و این سبک می‌تواند مورد مطالعه قرار بگیرد. همان‌طور که نظام سرمایه‌داری نئولبرال در انگلستان یا در آمریکا، یا نظام سوسیال دموکراسی در سوئد یا کشورهای اسکاندیناوی، نظام توتالیترو نظام اقتدارگرایی چین را بررسی می‌کنیم، سبک مدیریت در جامعه ایران که دائماً در درون بحران‌ها بوده است را باید مورد مطالعه قرار دهیم و ببینیم این سبک، چه تاثیراتی بر دیگر سبک‌های مدیریتی و روح و روان افراد در جامعه می‌گذارد. هم‌چنین دین‌داری و حاملان دین یعنی حوزه و روحانیت چگونه به این انسجام و تاب‌آوری مردم در مواجهه با این بحران‌ها یاری رساندند؟